

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Examining the Position of Community Participation in the Process of Conservation and
Management Policymaking of World Heritage Cities
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی در فرایند سیاست گذاری حفاظتی و مدیریتی شهرهای میراث جهانی

احسان احمدی^{۱*}، پگاه آفتابی^۲

۱. استادیار دانشکده معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مرمت میراث شهری، دانشکده معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۲

چکیده

بیان مسئله: ساختارهای پیچیده و ارزشمند شهرهای میراث جهانی به عنوان پیشینه و هویت جوامع، در طول تاریخ تکامل یافته و از نسلی به نسل بعد منتقل شده‌اند. پژوهشگران بسیاری، به دلیل اهمیت کالبدی، اجتماعی و فرهنگی این شهرها، سعی در به کارگیری رویکردهای نوین مدیریت و حفاظت از آن‌ها داشته‌اند و در طول سال‌ها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی متعددی در تلاش بوده‌اند تا در راستای تدوین شیوه‌های نوین مدیریتی، دستورالعمل‌هایی را با تأکید بر حضور فعال جوامع محلی ارائه دهند. اما بدیهی است که هر یک از این شهرها با توجه به مشخصه‌ها و ساختار کالبدی، فرهنگی و اجتماعی خود، به یک ساختار مدیریتی کاربردی و ویژه همان شهر نیاز دارد و استفاده از یک رویکرد مدیریتی ثابت در تمامی جوامع امکان‌پذیر نیست.

هدف پژوهش: هدف اصلی این مقاله بررسی میزان اثربخشی دستورالعمل‌های منشورهای بین‌المللی در ارتقای سطح مشارکت اجتماعی در حفاظت و مدیریت شهرهای میراث جهانی و ارائه یک چارچوب انعطاف‌پذیر و کاربردی در اجرای مؤثر این رویکرد در این شهرهاست.

روش پژوهش: این مقاله، با به کارگیری روش تحلیل محتوا در رتبه‌بندی دستورالعمل‌های منشورهای بین‌المللی در حوزه ارتقای مشارکت اجتماعی در مدیریت شهرهای میراث جهانی، به ارزیابی فرایند سیاست‌گذاری حفاظتی و مدیریتی در هشت شهر می‌پردازد، و سپس با مقایسه نتایج به دست آمده، میزان اثربخشی این دستورالعمل‌ها را در ارتقای سطح مشارکت اجتماعی بررسی و تحلیل می‌کند.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نقش فعال جوامع محلی در فرایند حفاظت و مدیریت شهرهای میراث جهانی موضوعی ضروری است و اجرای آن مستلزم پیروی از دستورالعمل‌های ارائه شده توسط سازمان‌های جهانی در حوزه مدیریت شهرهای تاریخی است. در اجرای این فرایند، لازم است توصیه‌های منشورها، در تناسب با ویژگی‌های ساختاری زمینه مورد نظر بومی‌سازی شوند تا بتوانند بیشترین تأثیر را در اجرای رویکرد مشارکت اجتماعی داشته باشند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، شهر میراث جهانی، منشورهای جهانی مدیریت شهری، جامعه محلی، مشارکت اجتماعی.

مقدمه

در این فرایندها، مدیران و متخصصان شهری نباید از نقش جوامع محلی در دستیابی به راهکاری یکپارچه در چارچوب تأمین منافع عمومی، غافل شوند (سیدبیگی، نصیری و رسولی، ۱۳۹۸، ۱). در یک منطقه شهری

در تمام پروژه‌های برنامه‌ریزی شهری، مشارکت نهادهای مدیریتی و سایر ذی‌نفعان از اهمیت بالایی برخوردار است.

* نویسنده مسئول: ehsanahmadi@ut.ac.ir، ۰۹۱۲۷۱۰۰۶۲۸

ارائه دهد. با در نظر داشتن چنین هدفی، سؤال اصلی پژوهش حاضر این خواهد بود که چگونه به کارگیری دستورالعمل‌های جهانی در فرایند سیاست‌گذاری و مدیریت شهرهای میراث جهانی، می‌تواند در ارتقای مشارکت اجتماعی ساکنان اثربخش باشد؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مطالعات بسیاری با تأکید بر اهمیت مشارکت اجتماعی در فرایند حفاظت و مدیریت شهرهای میراث جهانی انجام شده و منشورها و بیانیه‌های جهانی بسیاری نیز در این حوزه به ثبت رسیده است، که این امر حکایت از اهمیت بالای این موضوع دارد. برای مثال، منشور واشنگتن که در سال ۱۹۸۷ به ثبت رسید، از مشارکت جامعه محلی به عنوان یکی از عناصر مهم حفاظت شهرها و مناطق تاریخی یاد می‌کند (ICOMOS, 1987). همچنین، بند ۱۲ منشور بورا (۱۹۹۹) به طور خاص به میحث مشارکت اختصاص داده شده است. طبق این بند در حفاظت، تفسیر و مدیریت یک مکان باید مشارکت مردمی که مکان برای آن‌ها پیوندها و مفاهیم ویژه‌ای دارد، یا کسانی که تعهد اجتماعی، معنوی یا فرهنگی نسبت به مکان دارند پیش‌بینی شده باشد (ICOMOS, 1999). اهمیت ارزش‌های اجتماعی در بیانیه کبک (۲۰۰۱)، با تأکید بر ضرورت ایجاد یک سیستم مدیریتی مردم‌سالارانه و مشارکتی، نیز تبیین شده است که براساس آن مدیران شهرهای میراثی باید بستر مناسبی برای پذیرش مسئولیت از سوی شهروندان فراهم کنند (Declaration of Quebec City, 2001). منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی، (۲۰۰۴). در بند سوم بیانیه پاریس (۲۰۱۴) با میحث گردشگری و توسعه، تشویق به گفت‌وگو میان جامعه محلی و بازدیدکنندگان و جلب مشارکت ساکنان در حفاظت منطقه، از موضوعاتی است که بر آن‌ها تأکید شده است (Paris Declaration On heritage as a driver of development, 2011). در خصوص اولویت‌بخشی به جوامع محلی، بیانیه تهران (۲۰۱۴) تأکید دارد که در فرایند مدیریت شهرهای تاریخی، اقدامات حفاظتی و توسعه‌ای باید با محوریت مفهوم اهمیت معنایی مکان و با عبور از فیلتر فرهنگی خودپالای مردمان بومی، به عنوان مهم‌ترین فیلتر ایجاد تغییر در منظر شهری تاریخی، اجرا شوند (Tehran Declaration, 2014). همچنین، در بند ۴ بیانیه فلورانس بر رویکرد پایین به بالا برای حفاظت و مدیریت مؤثر میراث تأکید شده که در این راستا مهم‌ترین

ثبت شده در فهرست میراث جهانی، ساختار کالبدی و کارکردهای اجتماعی به‌عنوان یک هویت اصلی برای تداوم شهر محسوب می‌شوند. در همین راستا، طرح‌ریزی برنامه‌ای دقیق با هدف حفظ و نگهداری ساختار شهر و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی، امری لازم و ضروری است (فیلدن و یوکیلهتو، ۱۳۸۶، ۱۰۶). همچنین، باید توجه داشت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای شهرهای میراث جهانی یک فرایند چندرشته‌ای است که می‌تواند شامل تدوین برنامه‌هایی در جهت رفاه اجتماعی، حفاظت از آثار در برابر منفعت‌طلبی‌ها، توجه به ساختار کالبدی و حفظ هویت آن، حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و ارائه طرح‌های باززنده‌سازی محیط کالبدی باشد (Daldanise, 2016, 102). بنابراین، حضور طیف وسیعی از متخصصان از جمله برنامه‌ریزان شهری، معماران، مرمتران، جامعه‌شناسان و مسئولان اجرایی در فرایند حفاظت و مدیریت شهرهای تاریخی و چشم‌اندازهای فرهنگی ضروری است و در راستای تضمین مدیریت مناسب میراث شهری، منابع مدیریتی که منابع ملموس (منابع فیزیکی و مالی)، ناملموس (فرهنگ، فناوری) و انسانی (جامعه محلی، سرمایه‌گذاران، متخصصان) را در برمیگیرند، باید به طور دقیق شناسایی شده و در یک چارچوب دقیق برای ارتباط مؤثر میان مدیران و نقش‌آفرینان قرارگیرند (Grant, 2009; Daldanise, 2016, 103). در سال‌های اخیر، بسیاری از پژوهش‌ها به میحث مشارکت اجتماعی در حوزه مدیریت شهری پرداخته‌اند، اما به ندرت پژوهشی در حوزه مدیریت و حفاظت از شهرهای میراث جهانی، با هدف ارتقای مشارکت جوامع محلی صورت گرفته است. این امر به‌ویژه از این جهت اهمیت می‌یابد که ساکنان شهرهای تاریخی، اغلب به سنت‌ها و شیوه‌های مدیریتی گذشته متمایل‌اند و نسبت به ساکنان شهرهای مدرن، مقاومت بیشتری در مقابل تغییرات ساختاری نشان می‌دهند. بنابراین، با توجه به پیچیدگی موضوع، لازم است تا با استفاده از مدل‌های مفهومی و مقایسه مطالعات موردی، بهترین چارچوب در این زمینه ارائه شود. لازم به ذکر است این میحث در کشور ایران که بسیاری از آثار میراث جهانی را در خود جای داده است، اهمیتی مضاعف می‌یابد و با توجه به نقص‌ها و ناهماهنگی‌های مدیریتی و نارضایتی جوامع در دهه‌های اخیر، نیاز به چارچوبی یکپارچه و انعطاف‌پذیر با حضور فعال و آگاهانه ساکنان، بیش از گذشته احساس می‌شود. این پژوهش در نظر دارد تا از منظر مشارکت اجتماعی، به نقد و بررسی میزان اثربخشی منشورها و دستورالعمل‌های بین‌المللی در مدیریت موفق شهرهای میراث جهانی پرداخته، چارچوبی راهبردی برای ارتقای جایگاه مشارکت اجتماعی در مدیریت این مناطق

پروژه دخیل نمی‌شوند، بارها مشاهده شده است. در این راستا، به منظور بررسی دقیق توصیه‌های جهانی در خصوص جایگاه رویکرد مشارکت اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری مدیریتی و حفاظتی شهرهای تاریخی، گزیده‌ای از منشورها و بیانیه‌های معتبر جهانی که حاوی اصول رویکرد مشارکت اجتماعی در حوزه مدیریت شهرهای تاریخی بوده‌اند، در جدول ۱ ارائه شده است.

اقدام، فراهم کردن امکانات به منظور دخیل کردن جوامع محلی در فرایند تصمیم‌گیری است (Florence Declaration, 2014). بدین ترتیب، می‌توان دریافت که منشورهای متعددی در حوزه مدیریت شهرهای میراث جهانی، بر مبحث مشارکت تأکید داشته‌اند. با این حال، نمونه‌های شکست این رویکرد در حوزه شهرهای تاریخی، به‌خصوص در مواردی که جوامع محلی به‌طور مؤثری در

جدول ۱. جایگاه رویکرد مشارکت اجتماعی در منشورها و بیانیه‌های مرتبط با حوزه مدیریت شهرهای تاریخی. مأخذ: نگارندگان!

| ردیف | نام سند | سال | استفاده از رویکرد مشارکت اجتماعی |
|------|--------------------------------------|------|--|
| ۱ | منشور آمستردم | ۱۹۷۵ | تشویق شهروندان به مشارکت در امر حفاظت |
| ۲ | منشور واشنگتن | ۱۹۸۷ | تأکید بر نقش حیاتی مشارکت و نقش آفرینی ساکنان |
| ۳ | منشور ایکوموس نیوزلند | ۱۹۹۳ | تأکید بر سرمایه اجتماعی، مشاوره با جامعه محلی و جلب اعتماد شهروندان |
| ۴ | سند نارا | ۱۹۹۴ | بند ۸: تأکید بر اولویت مسئولیت جامعه محلی در حفاظت و مدیریت میراث |
| ۵ | پروتکل برگن | ۱۹۹۵ | تأکید بر ضرورت آموزش اصول حفاظت و آگاهی‌سازی در سطح جامعه |
| ۶ | بیانیه سن آنتونیو | ۱۹۹۶ | توجه به اهمیت نقش جامعه بومی در حفاظت و تأکید بر ارتقای آگاهی مردم |
| ۷ | منشور بورا | ۱۹۹۹ | بند ۱۲: تأکید بر مشارکت مردم محلی در حفاظت و مدیریت شهرتاریخی |
| ۸ | منشور کراکف | ۲۰۰۰ | تأکید بر مشارکت و مسئولیت اقشار اجتماعی در برابر میراث فرهنگی |
| ۹ | بیانیه کبک | ۲۰۰۱ | تأکید بر ضرورت ایجاد زمینه مناسب برای مدیریت مردم‌سالارانه و مشارکتی |
| ۱۰ | بیانیه بوداپست | ۲۰۰۲ | بند ۵: تأکید بر مشارکت بخش خصوصی، دولت‌ها و جوانان در حفاظت از میراث |
| ۱۱ | بیانیه هوی آن | ۲۰۰۳ | تأکید بر مشارکت ساکنان و متخصصان میان‌رشته‌ای در فرایند مدیریت |
| ۱۲ | بیانیه بم | ۲۰۰۴ | تداوم مشارکت میان گروه‌های ذینفع و دست‌اندرکاران، افراد محلی و متخصصان |
| ۱۳ | منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی | ۲۰۰۴ | ضرورت مشارکت دولت و جامعه محلی در حفاظت و توسعه یکپارچه توأمان میراث |
| ۱۴ | بیانیه گوتنبرگ | ۲۰۰۵ | توجه به نقش جامعه محلی در تصمیمات و تدوین برنامه‌های حفاظت و توسعه |
| ۱۵ | بیانیه شی آن | ۲۰۰۵ | تأکید بر اشتغال و همکاری با جوامع محلی و کارشناسان میان‌دانشی |
| ۱۶ | بیانیه بیت المقدس | ۲۰۰۶ | بند ۴: تأکید بر اهمیت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی، تهیه و اجرای طرح |
| ۱۷ | بیانیه ورونا | ۲۰۰۷ | اهمیت مشارکت اجتماعی در فرایند بازآفرینی و استفاده از راهبردهای فرهنگی |
| ۱۸ | بیانیه اینسبروک | ۲۰۰۷ | ارتقای سیاست‌های بازآفرینی اجتماع-مبنا به‌منظور کاهش برون‌رانی بومیان از منطقه |
| ۱۹ | منشور مسیرهای فرهنگی ایکوموس | ۲۰۰۸ | تأکید بر مشارکت همگانی و برانگیختن آگاهی و همکاری ساکنان |
| ۲۰ | توصیه‌نامه یونسکو (منظر شهری تاریخی) | ۲۰۱۱ | ضرورت مشارکت جوامع محلی در جلسات و گفت‌وگو حول محور شهرهای میراث جهانی |
| ۲۱ | اصول والتا | ۲۰۱۱ | تأکید بر ضرورت همفکری مستقیم و گفت‌وگوی مستمر با ساکنان |
| ۲۲ | بیانیه پاریس | ۲۰۱۱ | افزایش آگاهی و تشویق ساکنان برای به دست گرفتن کنترل و مالکیت میراث فرهنگی |
| ۲۳ | بیانیه تهران (منظر فرهنگی شهری) | ۲۰۱۴ | ضرورت تعیین نقش جوامع بومی در مدیریت تغییر و تعیین حدود آن‌ها؛ فرهنگ مردمان بومی به‌عنوان مهم‌ترین فیلتر اجرای تغییرات در منظر شهری تاریخی |
| ۲۴ | بیانیه فلورانس | ۲۰۱۴ | ضرورت تعامل و مشارکت اجتماعی در ارتقای سطح میراث |
| ۲۵ | بیانیه دهلی | ۲۰۱۷ | تأکید بر دموکراسی و رویکردهای جامعه-محور و درگیر ساختن ساکنان در حفاظت |
| ۲۶ | بیانیه بوئنوس آیرس | ۲۰۱۹ | تأکید بر ارزش مشارکت جامعه محلی در حفاظت از میراث فرهنگی |

از مناطق شهری، با تأکید بر حفظ اصالت و یکپارچگی بافت تاریخی، از مبانی نظری رویکرد طراحی مشارکتی در مدیریت شهری استفاده کرد. به عبارتی دیگر همگام با اجرای دقیق توصیه‌های منشورهای جهانی حفاظت، با بهره‌گیری از اصول عمومی رویکرد طراحی مشارکتی در مدیریت شهری، سطوح مشارکت در شهرها را به شهرهای میراث جهانی نیز تعمیم داد. بدین ترتیب، در فرایند تدوین پژوهش حاضر نیز، پس از بررسی مفاهیم مشارکت جوامع محلی به‌طور عام، با استناد به دستورالعمل‌های مدیریتی و حفاظتی شهرهای تاریخی، به تحلیل این مفهوم در مدیریت شهرهای میراث جهانی پرداخته شد. تا به امروز، بسیاری از نظریه‌پردازان برای اجرای رویکرد مشارکتی، سطوح مختلفی را مطرح کرده‌اند که می‌توان از نظریه نردبان آرنشتاین (۱۹۶۹) به‌عنوان مشهورترین رده‌بندی سطوح مشارکت یاد کرد که براساس آن، سطوح مشارکت در سه مرحله اصلی و هشت پله فرعی معرفی می‌شود (Ladjemi, 2011, 39-41). در منابع متأخر نیز همین سطوح به‌طور جامع‌تر و خلاصه‌تر معرفی می‌شوند؛ به‌طور مثال، در گزارش انجمن بین‌المللی مشارکت اجتماعی فرایند مشارکت جوامع محلی در یک سیستم حکمروایی پایین به بالا در سه سطح معرفی شده است. طبق این سند اولین سطح مشارکت اطلاع‌رسانی و آموزش است که براساس آن ارتباط یک‌طرفه میان دولت و جامعه، از طریق اطلاع‌رسانی و آموزش نکات حفاظت از میراث شهری به ساکنان، برقرار می‌شود. در سطح دوم ارتباط دوطرفه بین جامعه و دولت برقرار شده که از طریق دریافت مشورت و بازخوردهای ساکنان منطقه، اجرا می‌شود. در نهایت، سطح سوم، مشارکت فعال نامیده می‌شود که خود شامل سه سطح درگیرساختن، همکاری و واگذاری اختیار است و بر مبنای این سطوح جامعه محلی در فرایند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرا نقش فعال دارد و در بسیاری از مواقع، اختیار و تصمیم‌گیری نهایی نیز بر عهده ساکنان قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که اجرای هر یک از سطوح، به ابزارهای مشخصی نیاز دارد و باید به‌طور مداوم توسط نهادهای مسئول، نظارت و ارزیابی شود (IAP2, 2014; Symonds, 2005, 7). مدیریت سیستم‌های اجتماعی پایین به بالا به یک رویکرد حاکمیت چندسطحی نیاز دارد. به عبارت دیگر، در چنین حاکمیتی قدرت اصلی در یک دولت مرکزی متمرکز نیست، بلکه عملیات سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی، در چندین سطح صورت می‌گیرد. چنین رویکردی، روندهایی را برای ایجاد مشارکت و ارتباط سیستم‌های مدیریت در نظر می‌گیرد. به‌طور کلی، سه نوع سرمایه در روند سیاست‌گذاری مدیریت شهری مؤثرند: سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری و سرمایه

مبانی نظری: مفهوم مشارکت اجتماعی در بستر مدیریت شهرهای میراث جهانی

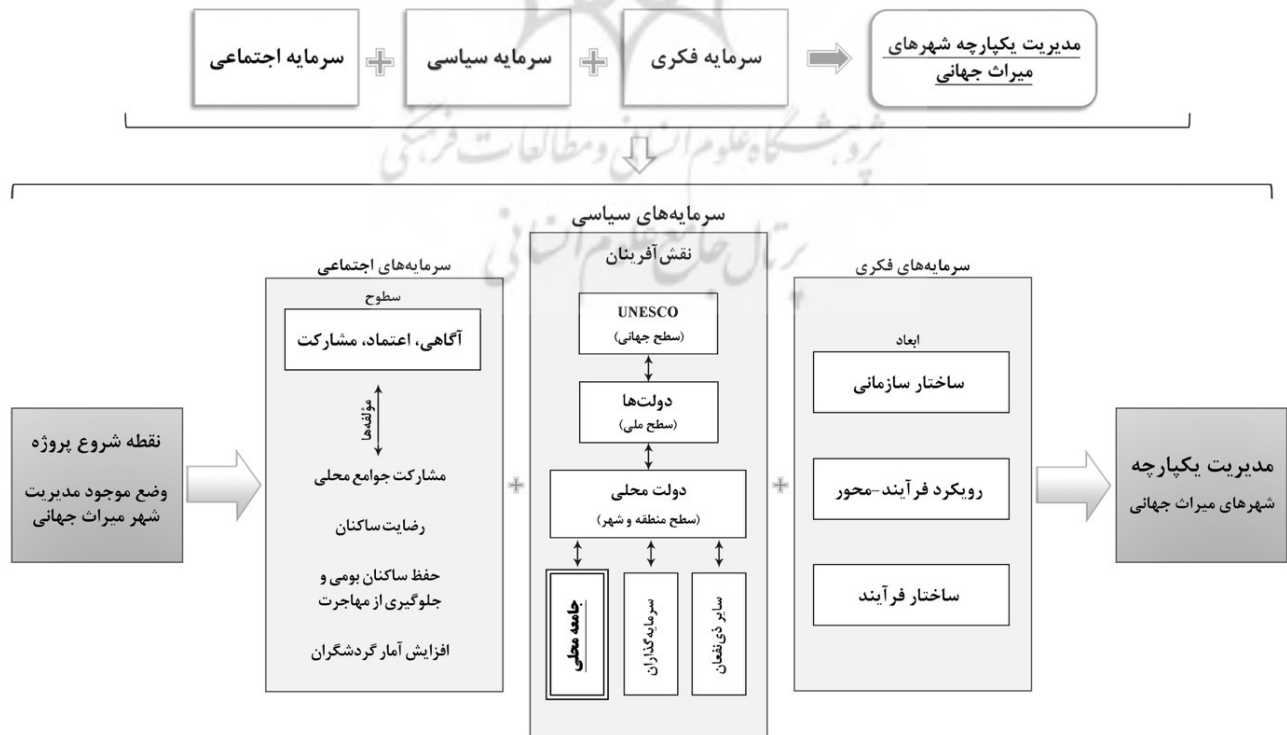
امروزه با گسترش شهرها و کاربرد شیوه‌های نوین و پیشرفته در شهرسازی، سیستم مدیریتی شهرهای تاریخی نیز تکامل یافته است. اما با وجود اینکه محققان و سازمان‌ها، دستورالعمل‌های فراوانی را در زمینه مدیریت شهرهای میراث جهانی منتشر کرده‌اند، به نظر می‌رسد که همچنان در ترجمه مفاهیم کلیدی مدیریت میراث جهانی، به‌ویژه در مقیاس شهری، مشکلاتی وجود دارد (Pendlebury, Short & While, 2009, 10; Dormaels, 2016, 3). به‌طور کلی، مفهوم مدیریت و حفاظت مشارکت-محور در شهرهای تاریخی، فرایندی پویا و جامع است که با تأکید بر اصالت و ارزش‌های تاریخی و فرهنگی زمینه، در سه بعد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی اجرا می‌شود و در پی راهکاری برای ارتقای تعاملات اجتماعی و رونق بخشی حضور مردم، با هدف بازگرداندن فعالیت و سرزندگی به بافت شهر تاریخی، بهسازی و نوسازی کالبدی و بهسازی اقتصادی است (حناچی و پورسراجیان، ۱۳۹۳، ۲۴۰). در این راستا، بسیاری از سازمان‌های حفاظت از میراث جهانی، ضمن توصیه به شمول طیف وسیعی از ذی‌نفعان در فرایند مدیریت شهرهای تاریخی، بر اهمیت جایگاه جوامع بومی، سنت‌ها و سبک خاص زندگی آنان، تأکید داشته‌اند (Landorf, 2009, 495-497). همچنین، تأثیر اجرای رویکردهای مشارکت-محور در یکپارچه‌سازی مدیریت میراث فرهنگی، برنامه‌ریزی شهری و اهداف توسعه اجتماعی-اقتصادی، در بسیاری از تجارب عملی به اثبات رسیده است. بدیهی است در اجرای این فرایند، جوامع محلی نیز به احساس رضایت از مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی و منافع مشترک در فرایند مدیریت شهر میراث جهانی دست می‌یابند (Li, Krishnamurthy, Pereira Roders & Van Wesemael, 2020, 1, Ripp & Rodwell, 2018, 241-253). رویکرد «طراحی مشارکتی» یک فرایند سازمان‌یافته در مدیریت شهری است که با همکاری افراد غیرمتخصص (جامعه محلی، ساکنان و بازدیدکنندگان) و متخصصان برنامه‌ریزی و طراحی شهری (که همگی به‌عنوان ذی‌نفعان یک پروژه حفاظت و توسعه شناخته می‌شوند)، به منظور تبدیل فضاهای شهری به مکان‌هایی با هویت و ارزشمند، انجام می‌گیرد (IAP2, 2014). امروزه، مناطق شهری تاریخی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از ساختار شهر شناخته می‌شوند که از محیط‌های طبیعی و مصنوعی تشکیل شده و در بردارنده تجربیات و ساختار اجتماعی ارزشمند جوامع محلی است (Bahrami & Samani, 2015, 464). در این راستا، می‌توان در مدیریت شهرهای میراث جهانی، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای

فکری» نیز، اصلی‌ترین هدف معرفی ساختار سازمانی، نوع رویکرد فرایند-محور و ساختار فرایند است که باید برنامه و طرح دقیقی در درون دو سرمایه‌پیشین، برای آن در نظر گرفته شود.

روش تحقیق

با توجه به پیشینه فوق‌الذکر می‌توان دریافت که منشورها و بیانیه‌های بسیاری در راستای هدایت و راهنمایی مدیران شهرهای تاریخی ارائه شده‌اند و همان‌طور که در جدول ۱ مشهود است، بسیاری از این منشورها توصیه‌هایی در راستای ارتقای سطح مشارکت اجتماعی در شهرهای میراث جهانی، نیز داشته‌اند. با این حال میزان نتیجه‌بخش بودن این توصیه‌ها با توجه به ساختار و ویژگی‌های متفاوت هر شهر میراث جهانی، ناشناخته باقی مانده است. بنابراین، لازم است میزان اثربخشی دستورالعمل‌های جهانی در ارتقای سطح مشارکت جوامع محلی در مدیریت شهرهای تاریخی بررسی شود تا در صورت اثربخش بودن استفاده از این توصیه‌ها، روش‌های به‌کارگیری آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری شهرهای میراث جهانی، تبیین گردد. در راستای دستیابی به هدف تحقیق، ابتدا منشورها براساس اعتبار جهانی و میزان توجه به اصول مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری، با استفاده از روش تحلیل محتوا، رتبه‌بندی شدند (تصویر ۲) و چهار دستورالعمل

سیاسی (Healey, 1996, 217-234 Petric, Hell & van der Borg, 2020, 3). تصویر ۱ چارچوب کلی مورد نیاز برای مدیریت شهرهای میراث جهانی را معرفی می‌کند. همان‌طور که مشخص است، کلیدی‌ترین گروه در امر مدیریت، جامعه محلی است که به‌طور غیرمستقیم در هر سه سرمایه تأثیرگذار است. طبق تعریف، «سرمایه اجتماعی» به‌عنوان منبعی جهت‌کنش اجتماعی تلقی می‌شود که در بردارنده سطوح و مؤلفه‌های متعددی است (کماسی و حسینی، ۱۳۹۳، ۱۴۴-۱۴۶). در پژوهش حاضر، بر مبنای سطوح معرفی‌شده در گزارش انجمن بین‌المللی مشارکت اجتماعی (IAP2, 2014)، سه سطح آگاهی، اعتماد و مشارکت به‌عنوان سطوح اصلی و چهار مؤلفه مشارکت جوامع محلی، رضایت ساکنان، جلوگیری از مهاجرت ساکنان بومی و افزایش آمارگردشگران، به‌عنوان تعدادی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در مفهوم سرمایه اجتماعی، معرفی شده‌اند. سرمایه دوم، «سرمایه‌های سیاسی» است که شامل نقش‌آفرینان تأثیرگذار در فرایند مدیریت شهری، در سطوح جهانی، ملی، محلی می‌شود. لازم به ذکر است که با توجه به هدف اصلی این مقاله در بررسی فرایند سیاست‌گذاری، تمرکز اصلی نویسندگان بر روی مبحث سرمایه سیاسی و جایگاه مشارکت اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری و مدیریت شهرهای میراث جهانی است. در گروه «سرمایه‌های



تصویر ۱. چارچوب نظری سیستم مدیریت شهرهای میراث جهانی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از: IAP2, 2014; Healey, 1996, 217-234; Symonds, 2005, 7; Petric, Hell & van der Borg, 2020, 3.

انتخاب شدند و با مراجعه به مقالات علمی، سایت‌ها و سامانه‌های مجازی شهرداری و نهادهای دولتی هر شهر مورد بررسی قرار گرفتند. **جدول ۲**، خلاصه‌ای از اطلاعات بررسی شده، مانند نوع رویکرد حکمروایی شهری و رویکردهای ارتقای سطح مشارکت اجتماعی را معرفی می‌کند. نوع رویکرد حکمروایی شهری در اصل به ساختار دولتی هر کشور برمی‌گردد و طبعاً در شهرهایی با رویکرد پایین به بالا میزان مشارکت و حضور فعال اعضای جامعه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بیشتر است؛ زیرا هرچه قدرت تصمیم‌گیری و اختیار مردم در تغییر شرایط بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در فرایند حفاظت و مدیریت شهر هم بیشتر خواهد بود.

بحث و تحلیل یافته‌ها

به منظور رتبه‌بندی منشورها بر مبنای میزان تأکید بر رویکرد مشارکت اجتماعی، ابتدا با توجه به متن اسناد جهانی، شش گروه کلیدواژه مرتبط با مشارکت تعیین شد. واژه‌های منتخب در این مرحله براساس ساختار و سطوح مشارکتی معرفی شده در بخش پیشینه تحقیق، طبق گزارش انجمن بین‌المللی مشارکت اجتماعی، در شش گروه دسته‌بندی شدند (**IAP2**):

- ۱) Participation/Contribution/Partnership
۲) Cooperation/Collaboration

که بیشترین تأکید را بر رویکرد مشارکت اجتماعی داشتند، به منظور سنجش میزان اثربخشی رهنمودهایشان، انتخاب شدند. بهترین روش برای درک میزان اثربخشی منشور و دستورالعمل‌های جهانی، استفاده از مطالعات تطبیقی است؛ چرا که می‌توان با مقایسه موفقیت تجارب جهانی و میزان به‌کارگیری دستورالعمل‌های استخراج‌شده از منشورها، به میزان اثربخشی توصیه‌های آن‌ها در حوزه مشارکت اجتماعی و مدیریت شهرهای میراث جهانی پی‌برد. بنابراین، هشت نمونه از تجارب به‌کارگیری رویکرد مشارکت اجتماعی در مدیریت شهرهای میراث جهانی انتخاب و معرفی شدند (**جدول ۲**). در ادامه، میزان مطابقت هر یک از این تجارب با منشورها و اسناد جهانی (بندهای مرتبط با مشارکت اجتماعی)، براساس تعداد بندهای هر منشور به‌صورت درصد محاسبه شد. در پایان، درصد مطابقت هر تجربه مبتنی بر اسناد جهانی نسبت به میزان موفقیت و رضایت‌بخش بودن آن سنجیده شد و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. سپس با توجه به نتایج کسب‌شده و مبانی نظری، مدلی به منظور به‌کارگیری صحیح رویکرد مشارکت اجتماعی در ساختار مدیریتی یکپارچه شهرهای میراث جهانی، معرفی شد.

معرفی نمونه‌های مورد مطالعه

با تأکید بر رویکردهای مشارکتی هشت شهر میراث جهانی

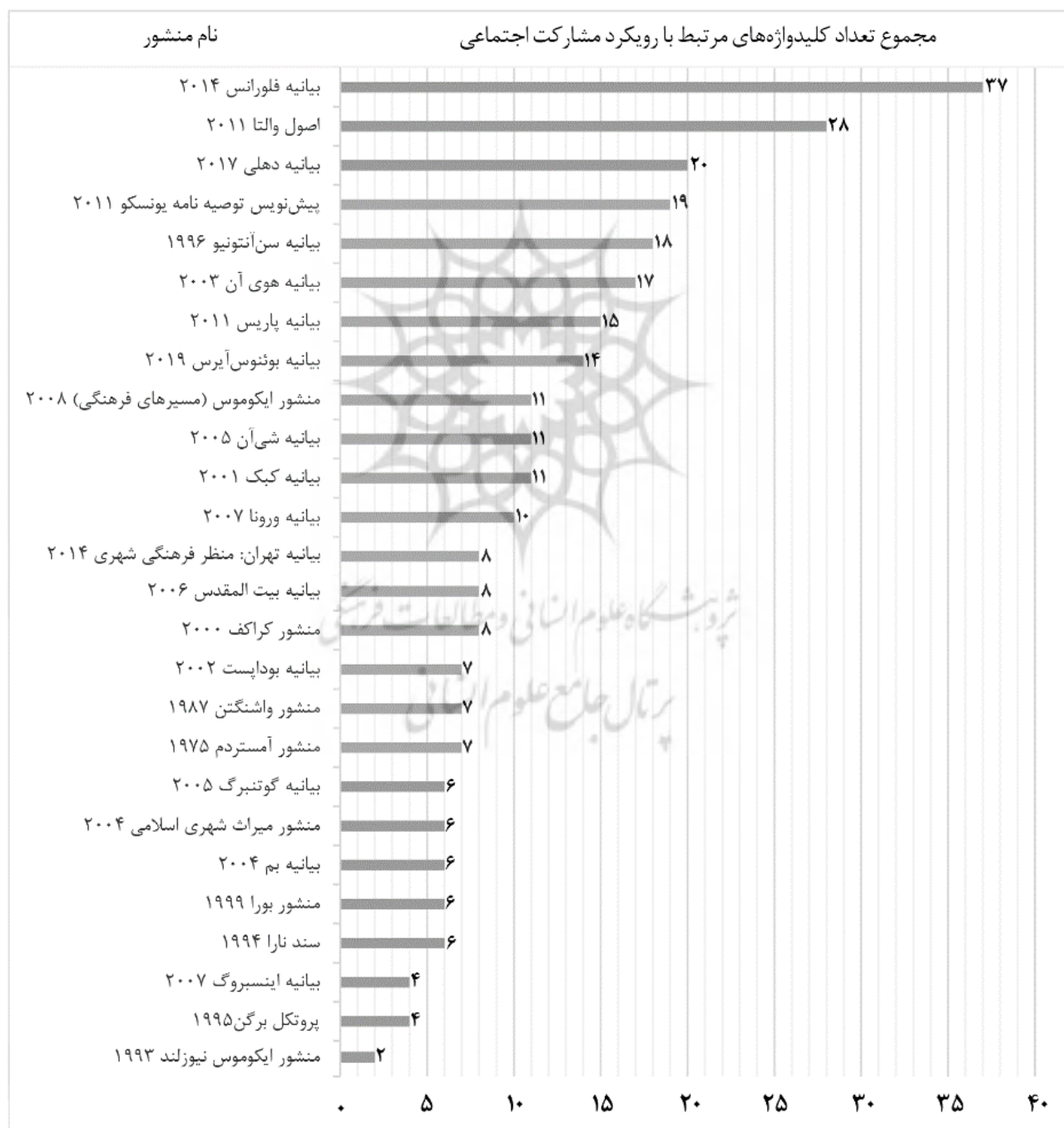
جدول ۲. معرفی اجمالی نمونه‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

| شهر | رویکردهای ارتقای مشارکت اجتماعی | رویکرد حکمروایی شهری | منابع و سال |
|--------------------|---|----------------------|--|
| کیوتو (ژاپن) | استفاده از رویکرد ماچی‌زوکوری (روش گفت‌وگوی بین جامعه، تعامل دولت و مردم و توانمندسازی شهروندان) | پایین به بالا | Poomchalit & Suzuki, (2018) Kusakabe (2013) |
| لی‌جیانگ (چین) | جلسات عمومی و دولتی، رویدادهای فرهنگی و سنتی، جلسات مشاوره سالانه، تأسیس سازمان‌های محلی | بالا به پایین | Su, Zhang & Cai (2020) Li, Krishnamurthy, Rodgers & Wese-mael (2020) |
| جورجتاون (مالزی) | آموزش به جوامع در مورد میراث جهانی، آموزش و ظرفیت‌سازی برای کارمندان دولتی | بالا به پایین | Rasoolimanesh, Jaafar, Ahmad & Barghi, (2017) PILAI (2017) Dian & Nuraisyah (2013) |
| قاهره (مصر) | آگاهی‌بخشی و آموزش به مردم از طریق رسانه‌ها | بالا به پایین | Gharib (2011) |
| رگنسبورگ (آلمان) | ایجاد اداره هماهنگ‌سازی میراث جهانی، برگزاری کارگاه‌های گروهی، ساخت مرکز بازدیدکنندگان شهر میراث جهانی رگنسبورگ | پایین به بالا | Göttler & Ripp (2017) Ripp (2011) |
| ادینبرو (اسکاتلند) | تأسیس انجمن‌هایی جامعه-محور، برقراری ارتباط یکپارچه میان ذی‌نفعان، برگزاری رویدادهای فرهنگی | پایین به بالا | Zappino (2010) |
| کیک (کانادا) | شورای محله، کمیته شهروندی، تهیه لیست کامل ذی‌نفعان، برگزاری جلسات میزگرد | پایین به بالا | Dormaels (2016) |
| هاوانا (کوبا) | به‌کارگیری قشر جوان، تهیه نقشه ریسک‌ها و منابع، برگزاری جلسات اطلاع‌رسانی | بالا به پایین | Santiago (2019) Ladjemi (2011) Valladares (2017) |

Involvement/ Engagement (۳)
 Communication/ Relationship (۴)
 Consultation (۵)
 Local Community (۶)

سند ارائه شد. لازم به ذکر است که در این تحلیل محتوا، متن هر منشور به‌طور تشریحی و مفهومی بررسی شده و واحد تحلیل محتوا، جملات و پاراگراف‌های متن هر سند بوده که به مفاهیم شش‌گانه فوق دلالت داشته‌اند و ارائه عددی فراوانی واژگان صرفاً برای رده‌بندی منشورها استفاده شده است. همچنین، در راستای طبقه‌بندی دقیق‌تر منشورهای جهانی، هر منشور براساس اعتبار جهانی (ملی، منطقه‌ای و یا جهانی) درجه‌بندی، و براساس مجموع امتیازهای به‌دست‌آمده رتبه‌بندی منشورهای معرفی شده، ارائه شد (تصویر ۲).

در ادامه، با مطالعه مفهومی متن هر سند، فراوانی هر یک از کلیدواژه‌ها و لغات هم‌معنی آن‌ها و همچنین عبارات و ترکیب‌های واژگانی هم‌معنی هر یک از این مفاهیم شش‌گانه که به انحاء مختلف به مفهوم مشارکت اجتماعی دلالت داشته‌اند، محاسبه و سپس مجموع این فراوانی‌ها به‌عنوان امتیاز نهایی آن



تصویر ۲. رتبه‌بندی منشورها بر مبنای میزان دلالت به کلیدواژه‌ها و مفاهیم مرتبط با مشارکت اجتماعی. مأخذ: نگارندگان.

ساکنان، میزان مهاجرت و آمار گردشگران، برای مقایسه میزان موفقیت مدیریت شهرهای میراث جهانی معرفی شده است. برای مثال، میزان مشارکت اجتماعی بسیار زیاد در شهر کیوتو به معنای مشارکت کامل ساکنان، قدمت بالای اجرای ساختار و چارچوب مشارکتی است و رضایت کم ساکنان در هاوانا نشان‌دهنده عدم آگاهی نسبت به اهمیت مشارکت، بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و نبود ساختار لازم جهت مشارکت است. با این حال باید توجه داشت هریک از نمونه‌ها در بازه زمانی متفاوت و با شرایط، جامعه آماری و دیدگاه متفاوتی سنجیده شده‌اند و اطلاعات ارائه شده در مورد هریک از آن‌ها تنها از بررسی منابع محدود پژوهشی معرفی شده، استخراج شده است. بدیهی است در صورت به‌کارگیری مطالعات میدانی در بازه زمانی یکسان و در جامعه آماری مشابه، می‌توان به نتایج دقیق‌تری دست یافت؛ اما برای دستیابی به هدف این پژوهش، استفاده از اطلاعات نسبی موجود کفایت می‌کند.

با نگاهی تحلیلی به **جدول ۴**، می‌توان دریافت که میان درصد مطابقت با منشورها از یک سو و میزان رضایت ساکنان و موفقیت مدیران شهری در جلب مشارکت اجتماعی از سوی دیگر، رابطه‌ای نسبتاً مستقیم وجود دارد: هرچه میزان درصد مطابقت با منشورها بیشتر باشد، رضایت ساکنان بیشتر و میزان مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری بالاتر است. بنابراین، شهرهایی که بیشتر از دستورالعمل‌های حفاظت از میراث جهانی پیروی کرده‌اند، در تمام جوانب به نتایج مطلوب‌تری دست یافته‌اند. مع الوصف نمی‌توان تنها براساس این نتایج، به صورت قاطعانه نظر داد، زیرا شرایط زمینه‌ای هریک از مطالعات موردی با یکدیگر متفاوت است. برای مثال، شهر کیوتو و به‌طور کلی جوامع ژاپنی، در دوره‌های تاریخی پیش از مدرن و بسیار قبل‌تر از تصویب منشورها، رویکرد مشارکت اجتماعی را تا حدودی تجربه کرده‌اند و امر مشارکت در جامعه آنان به صورت نهادینه درآمده است. این در حالی است که در شهر هاوانا، ساکنان مدت بسیار زیادی از دموکراسی برخوردار نبوده‌اند و نمی‌توان تنها با اجرای اسناد جهانی، تحولات لازم جهت ارتقای وضعیت مشارکت اجتماعی را در منطقه ایجاد کرد. بنابراین، رعایت دستورالعمل‌ها می‌تواند در افزایش میزان مشارکت اجتماعی و موفقیت مدیریت شهر تاریخی مؤثر باشد؛ اگرچه هر شهر تاریخی ویژگی‌ها و پیشینه خاص خود را دارد و نمی‌توان صرفاً پیروی از منشورهای جهانی را تنها عامل رضایت‌بخش بودن نتیجه دانست. با این حال، لازم است تا با مطالعه دقیق خصوصیات ساختاری و زمینه‌ای هر شهر تاریخی، توصیه‌های ارائه شده در دستورالعمل‌های جهانی به نوعی بومی‌سازی شده، در تطابق با نیازهای همان

منشورهای مهم در حوزه مشارکت اجتماعی است. از این طریق، می‌توان با توجه به میزان تأکید هر منشور به بحث مشارکت اجتماعی، آن‌ها را شناسایی و دسته‌بندی کرد و در نهایت، دستورالعمل‌هایشان را در حفاظت و مدیریت شهرهای میراث جهانی، به منظور ارتقای سطح مشارکت اجتماعی، به کار گرفت. طبق **تصویر ۲**، بیانیه فلورانس، اصول والتا، بیانیه دهلی و توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو، بیشترین تأکید را بر مشارکت و حضور فعال جامعه محلی، در مدیریت شهرها داشته‌اند.

مقایسه اسناد جهانی با مطالعات موردی

پس از شناسایی و انتخاب هشت شهر فوق‌الذکر، اقدامات اجرا شده در هریک از این تجارب با چهار سند از منشورها و دستورالعمل‌های برتر معرفی شده (بیانیه فلورانس، اصول والتا، بیانیه دهلی و توصیه‌نامه ۲۰۱۱ یونسکو) مقایسه شدند. به منظور تمرکز بر هدف پژوهش، تنها بندها و مصوبه‌های مرتبط با مشارکت اجتماعی از این اسناد جهانی استخراج و در فرایند مقایسه استفاده شد. باید توجه داشت که نمونه‌های بررسی شده، هریک شرایط و مشخصه‌های متفاوتی داشته، مقایسه‌های صورت‌گرفته ماهیتاً نسبی‌اند. بنابراین ممکن است میزان پیاده‌سازی و موفقیت اجرای هریک از بندهای مرجع، در هر شهر متفاوت بوده، اما در این پژوهش از این امر چشم‌پوشی شده است؛ چراکه مقایسه متغیرها بدین شکل برای دستیابی به هدف پژوهش کفایت می‌کند. در همین راستا، براساس تعداد مطابقت با بندهای هر منشور، درصد مطابقت هر نمونه محاسبه شده است. برای مثال، نمونه شهر کبک با ۷ بند از ۱۵ بند مربوط به مشارکت اجتماعی بیانیه فلورانس مطابقت دارد و لذا میزان مطابقت آن حدود ۴۶ درصد می‌شود. در نهایت، میانگین درصد مطابقت، برای هر تجربه مشارکت در شهرهای میراث جهانی، ارائه شده است (**جدول ۴**). طبق یافته‌های پژوهش (**جدول ۴**)، شهر کیوتو با ۹۶/۵ درصد بیشترین میزان مطابقت و قاهره با ۱۷/۲۵ درصد کمترین مطابقت را با توصیه‌های جهانی در حوزه مشارکت اجتماعی دارند. لازم به ذکر است به علت محدودیت در دستیابی به مستندات عینی و شواهد میدانی در فرایند مقایسه دستورالعمل‌ها منشورها در تجارب جهانی، داده‌های **جداول ۳ و ۴** به صورت نسبی سنجیده شده‌اند و با افزایش تعداد نمونه‌ها به هشت مورد و تکرارپذیری فرایند سنجش و مقایسه، اطمینان لازم نسبت به دقت نتایج حاصل شده است. در راستای بررسی دقیق‌تر یافته‌های پژوهش، با استفاده از مؤلفه‌های اصلی ذکرشده برای سرمایه‌های اجتماعی در بخش مبانی نظری (**تصویر ۱**)، چهار معیار میزان مشارکت اجتماعی، رضایت

جدول ۳. معرفی معیارها و مفاهیم برگزیده برای سنجش تجارب جهانی مشارکت اجتماعی. مأخذ: نگارندگان.

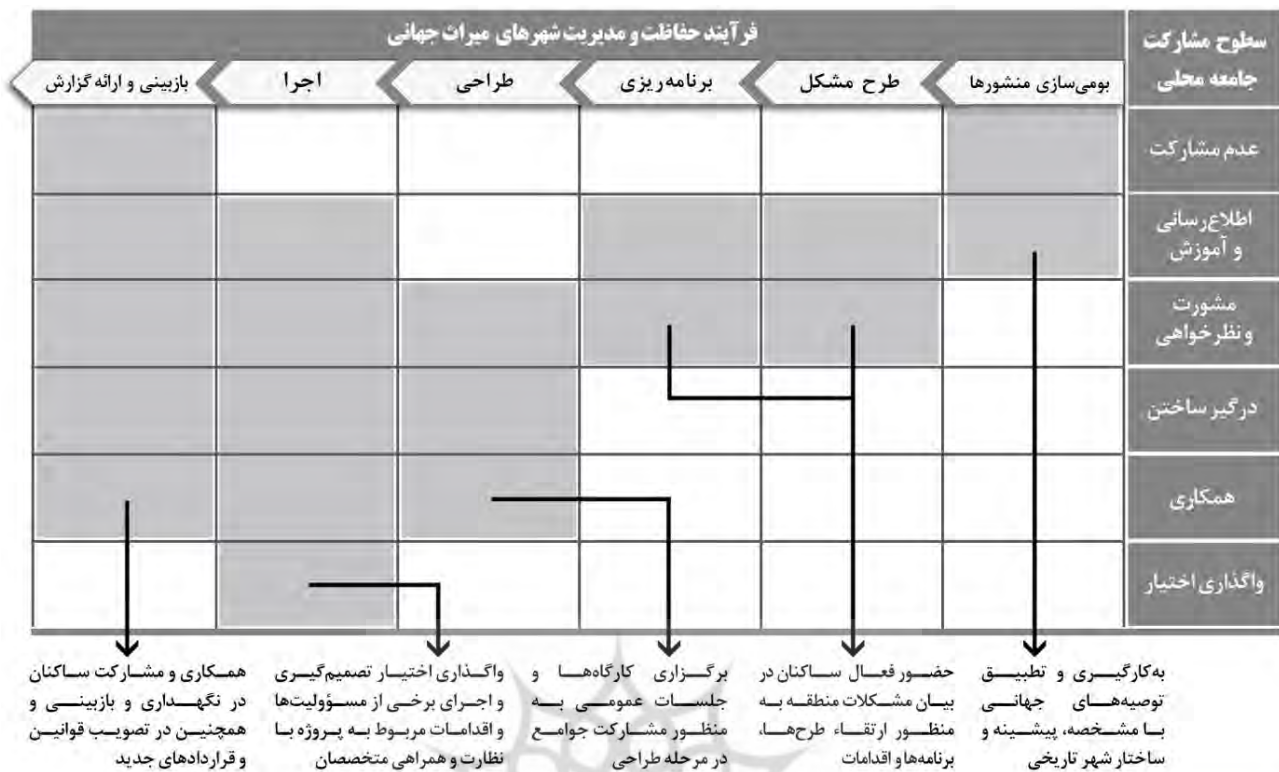
| معیار مقایسه | مقیاس نسبی | مفهوم انتخابی برای هر مقیاس |
|----------------------|------------|---|
| میزان مشارکت اجتماعی | بسیار کم | اجرای برنامه‌های حفاظت و مدیریت بدون حضور جوامع محلی و عدم اطلاع‌رسانی |
| | کم | مشارکت گروه خاصی از ساکنان + اطلاع‌رسانی به سایر اعضای جامعه، نبود ساختار مشارکتی |
| | متوسط | مشارکت گروه خاصی از ساکنان + اطلاع‌رسانی، وجود چارچوب مشارکتی نسبتاً برنامه‌ریزی شده |
| | زیاد | مشارکت کامل ساکنان، مدت زمان اجرای طرح مشارکتی کم و ساختار مشارکتی نسبتاً نوپا |
| رضایت ساکنان | بسیار زیاد | مشارکت کامل ساکنان، با اجرای طرح مشارکتی با قدمت بالا و چارچوب ثابت و برنامه‌ریزی شده |
| | بسیار کم | عدم آگاهی نسبت به اهمیت مشارکت، بی‌اعتمادی و نداشتن رغبت به مشارکت |
| | کم | آگاهی به اهمیت مشارکت، بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی و نبود ساختار لازم جهت مشارکت |
| مهاجرت ساکنان | زیاد | رغبت به مشارکت و اعتماد جامعه نسبت به نهادهای دولتی و مدیریتی |
| | بسیار زیاد | رغبت بالا نسبت به مشارکت و اختیار کامل جامعه در فرایند مدیریت و حفاظت |
| آمار گردشگران | افزایش | افزایش نارضایتی ساکنان و در نتیجه افزایش آمار مهاجرت به مناطق اطراف |
| | کاهش | وجود رضایت نسبی و کاهش آمار مهاجرت جوامع محلی نسبت به سال‌های اخیر |
| آمار گردشگران | افزایش | افزایش آمار گردشگران داخلی و خارجی نسبت به پیش از اجرای برنامه‌های مشارکتی |
| | کاهش | کاهش آمار گردشگران داخلی و خارجی در سال‌های اخیر |

جدول ۴. مقایسه نمونه‌های بررسی شده با تأکید بر درصد مطابقت با دستورالعمل‌های جهانی. مأخذ: نگارندگان.

| شهر | میانگین درصد مطابقت با منشورها | میزان مشارکت اجتماعی | رضایت ساکنان | مهاجرت ساکنان | آمار گردشگران | ابزار جمع‌آوری اطلاعات |
|--------------------|--------------------------------|----------------------|--------------|---------------|---------------|------------------------------|
| کیوتو (ژاپن) | ۹۶/۵ درصد | بسیار زیاد | بسیار زیاد | کاهش | افزایش | بررسی اسناد و مدارک موجود |
| ادینبرو (اسکاتلند) | ۷۹ درصد | بسیار زیاد | زیاد | کاهش | افزایش | پرسش‌نامه، بررسی اسناد موجود |
| رگنسبورگ (آلمان) | ۶۷/۲۵ درصد | زیاد | زیاد | عدم بررسی | افزایش | پرسش‌نامه، تحقیقات میدانی |
| کبک (کانادا) | ۴۶ درصد | زیاد | زیاد | کاهش | عدم بررسی | مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک |
| هاوانا (کوبا) | ۴۴ درصد | متوسط | کم | افزایش | افزایش | بررسی اسناد و مدارک موجود |
| جورج تاون (مالزی) | ۴۲/۵ درصد | کم | کم | عدم بررسی | عدم بررسی | مصاحبه، پرسش‌نامه |
| لی جیانگ (چین) | ۳۴ درصد | کم | بسیار کم | افزایش | افزایش | مصاحبه، پرسش‌نامه |
| قاهره (مصر) | ۱۷/۲۵ درصد | بسیار کم | بسیار کم | بسیار زیاد | عدم بررسی | پرسش‌نامه، بررسی اسناد موجود |

پژوهش بررسی شد، انجمن بین‌المللی مشارکت اجتماعی (IAP۲) سطوح متعددی را برای ارتقای مشارکت اجتماعی جوامع محلی معرفی کرده است. بر همین مبنا، در تصویر ۳، ردیف‌ها نشانگر سطوح مشارکت جوامع محلی در هر مرحله از فرایند مدیریت شهرهای میراث جهانی‌اند. همچنین، در ستون‌های تصویر ۳ شش مرحله حفاظت و مدیریت شهرهای

منطقه اجرا شوند، تا بتوان از نتیجه‌بخش بودن آن در سیستم مدیریت شهری اطمینان بیشتری حاصل کرد. بر این اساس و به‌عنوان جمع‌بندی یافته‌ها و مباحث تحلیلی فوق چارچوب پیشنهادی اجرای رویکرد مشارکت اجتماعی در تمامی مراحل حفاظت و مدیریت شهرهای میراث جهانی، در تصویر ۳ ارائه شده است. همان‌طور که ذیل مبانی نظری



معرفی سطح مشارکت ساکنان در هر مرحله از فرآیند حفاظت و مدیریت شهر میراث جهانی

تصویر ۳. مدل پیشنهادی جهت اجرای رویکرد مشارکت اجتماعی در شهرهای میراث جهانی. مأخذ: نگارندگان.

تاریخی معرفی شده است که در این بخش طبق یافته های پژوهش، لازم است که مرحله بومی سازی منشورهای جهانی به عنوان یک مرحله مجزا، با تأکید بر بستر شهر میراث جهانی اجرا شود. در نهایت، با مقایسه هشت نمونه از تجارب مدیریت شهرهای میراث جهانی و با بررسی میزان اثربخشی اجرای توصیه های جهانی در حفاظت و مدیریت آنان، مؤثرترین شیوه برای ارتقای سطح مشارکت جوامع محلی در هر یک از مراحل فرایند اجرای طرحها و برنامهها، در تصویر ۳ ارائه شده است.

نتیجه گیری

سازمان های فعال در حوزه حفاظت از میراث جهانی، هر ساله منشورها و دستورالعمل هایی را با هدف هدایت و کمک به مدیران شهری و حفاظت مؤثر میراث فرهنگی، در زمینه ها و رشته های مختلف، تصویب می کنند. در این پژوهش، ضمن بررسی منشورهای شهرهای میراث جهانی حاوی اصول ارتقای مشارکت اجتماعی، تجارب گوناگونی در این زمینه بررسی شدند. در این راستا، براساس انتخاب شش گروه کلیدواژه و با تحلیل محتوای متن هر سند بر مبنای این مفاهیم شش گانه، چهار منشوری که بیشترین تأکید را روی مشارکت اجتماعی داشتند انتخاب شده و معیارها و

شاخص هایی برای سنجش و مقایسه نتایج آنها انتخاب شد. لازم به ذکر است این معیارها برگرفته از سطوح و مؤلفه های اصلی مفهوم سرمایه های اجتماعی در مدیریت شهری اند. در نهایت، با مقایسه مهم ترین دستورالعمل ها در مبحث مشارکت با مطالعه هشت مورد از شهرهای میراث جهانی، بر مبنای معیارهای تعیین شده، این نتیجه حاصل شد که پیروی و اجرای توصیه های اسناد جهانی می تواند در میزان موفقیت مدیریت و ارتقای سطح مشارکت اجتماعی در شهرهای میراث جهانی مؤثر باشد. براساس پیشینه و چارچوب های ارائه شده در این پژوهش، جوامع محلی باید در تمامی مراحل مدیریت و حفاظت، با ساختار مشخصی، مشارکت فعال داشته باشند. اما از آنجایی که این امر براساس شرایط و ویژگی های زمینه ای در هر شهر میراث جهانی متفاوت است، با توجه به ساختار ارائه شده در چارچوب پیشنهادی (تصویر ۳)، مهم ترین اقدام در این فرایند، بومی سازی منشورها و توصیه های سازمان های بین المللی حفاظت از شهرهای میراث جهانی است. در این راستا لازم است پیش از هر مداخله ای، با ملاحظه ساختار و پیشینه هر منطقه در جهت بومی سازی و تطبیق دستورالعمل ها با زمینه شهر میراث جهانی مورد نظر اقدام کرد. به عبارتی دیگر لازم است

مرحله بومی سازی منشورها به عنوان مرحله ای مجزا و یک دستورالعمل ناظر، پیش از طرح مشکل در مدیریت شهرهای میراث جهانی استفاده شود. همچنین در تمامی برنامه های اجرایی در شهر تاریخی، اصول بیانیه های جهانی باید مانند یک قانون نظم دهنده به ساختار سیاست گذاری حفاظتی و مدیریتی شهرهای میراث جهانی حضور داشته باشد. در نهایت، پس از شناسایی اهمیت حضور جوامع محلی و تعیین مراحل حفاظت و مدیریت شهرهای میراث جهانی، بر مبنای سطوح مشارکت ارائه شده توسط گزارش انجمن بین المللی مشارکت اجتماعی و همچنین با استفاده از هشت تجربه مشارکت اجتماعی در شهرهای میراث جهانی، راهبرد مشارکتی جوامع بومی در هر یک از شش مرحله فرایند حفاظت و مدیریت شهر تاریخی معرفی شد که جزئیات هر مرحله در تصویر ۳ قابل مشاهده است. همان طور که ذکر شد، طبق مدل پیشنهادی پژوهش، حضور جوامع محلی در تمامی مراحل ضروری است و تنها سطح و شیوه مشارکت در هر مرحله متفاوت است. باید توجه داشت استفاده از دستورالعمل های جهانی نمی تواند به تنهایی مشکلات مربوط به مشارکت اجتماعی را برطرف کند؛ چرا که منشورهای جهانی اغلب با نگرشی جامع مؤلفه های عدیده ای را خلاصه وار پوشش می دهند و اجرای آن ها در تمامی زمینه های تاریخی ممکن نیست. همچنین، این دستورالعمل ها صرفاً به صورت توصیه ای به منظور حفاظت و مدیریت منطقه بیان شده اند اما به چگونگی و راهکار اجرای این دستورات اشاره نشده است و این موضوع استفاده صحیح از منشورهای جهانی را دشوار می سازد. از این رو مدیریت و حفاظت از شهرهای میراث جهانی باید با یک برنامه کل نگر و فرایند محور و با اولویت بخشی به ساکنان بومی منطقه اجرا شود که این امر بدون راهبردها و رهنمودهای متخصصان محلی و مدیران شهری امکان پذیر نیست. در پایان به منظور تحقیق، تکمیل و تدقیق نتایج این پژوهش، پیشنهاد می شود امکان پذیر بودن اجرای مدل پیشنهادی و روش های اجرای مؤثر دستورالعمل های جهانی در بستر شهرهای میراث جهانی ایران، با انجام مطالعات میدانی بررسی شده، در جهت تدقیق این چارچوب در تناسب و تطابق با ویژگی های بومی هر منطقه مطالعات بیشتری صورت گیرد.

پی نوشتها

۱. خلاصه ای از اطلاعات و مشخصات بیانیه ها و منشورهای مندرج در جدول ۱، شامل اهداف و حوزه مداخله هر یک از موارد در: فدائی نژاد، عشرتی و حناچی (۱۳۹۷)، قابل دسترسی است. لازم به ذکر است نتایج مقاله حاضر بر مبنای اسناد تفصیلی هر یک از بیانیه ها و منشورها حاصل شده است.

فهرست منابع

• حناچی، پیروز و پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۳). *احیای بافت شهری*

- تاریخی (با رویکرد مشارکت). چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- صیدبیگی، صادق؛ نصیری، محمد و رسولی، سید حسن. (۱۳۹۸). تحلیل جایگاه نهادهای مدیریت شهری و سایر نقش آفرینان در روند نوسازی بافت فرسوده محله بیسیم (ولیعصر). دومین همایش بین المللی افق های نوین در مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، انجمن افق نوین علم و فناوری.
 - فدائی نژاد، سمیه؛ عشرتی، پرستو و حناچی، پیروز. (۱۳۹۷). *اصالت و یکپارچگی در حفاظت منظر فرهنگی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
 - فیلدن، برنارد ام. و یوکیلتهو، یوکا. (۱۳۸۶). مدیریت در محوطه های میراث جهانی (ترجمه و افزوده: پیروز حناچی). چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
 - کماسی، حسین و حسینی، سید علی. (۱۳۹۳). تبیین رابطه بین عملکرد مدیریت شهری و سرمایه اجتماعی شهروندان مطالعه موردی: محله ولیعصر شمالی. *برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)*، ۳، ۱۳۵-۱۵۶.
 - Bahrami B & Samani F. A. E. (2015). Reconnecting the Landscape in Historical Cities, Conceptual Analysis of Historic Urban Landscape Approach in Iran. *Current World Environment*, 10(2), 456-466.
 - Daldanise, G. (2016). Innovative strategies of urban heritage management for sustainable local development. *Social and Behavioral Sciences*, 223(10), 101-107.
 - Declaration of Quebec City. (2001). Retrieved November 15, 2021 from: https://www.oas.org/dil/Declaration_of_Quebec_City.pdf.
 - Dian, A. & Nuraisyah, C. (2013). Public Participation in Heritage Sites Conservation in Malaysia: Issues and challenges. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*. 101, 248 – 255.
 - Dormaels, M. (2016). Participatory management of an urban world heritage site. *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development*, 6(1), 14-33.
 - Florence Declaration. (2014). Retrieved December 12, 2021 from <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts>.
 - Gharib, R. (2011). Revitalizing historic Cairo: Three decades of policy failure. *International Journal of Architectural Research*, 5(3), 40-57.
 - Grant, R. (2009). *Contemporary strategy analysis*. NY: John Wiley & Sons.
 - Göttler, M. & Ripp, M. (2017). *Organisation of World Heritage Cities, Region North-West Europe and North-Amerika: Community involvement in heritage management guidebook*. Regensburg, Municipality of Regensburg Planning and Building Division World Heritage Management.
 - Healey, P. (1996). The communicative turn in planning theory and its implications for spatial strategy formation. *Environment and Planning B: Planning and design*, 23(2), 217-234.
 - ICOMOS (1987). *Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas*. Retrieved December 12, 2021 from <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts>.
 - ICOMOS (1999). *The Australia ICOMOS Charter for the*

Conservation of Places of Cultural Significance - (The Burra Charter) (Australia ICOMOS). Retrieved December 12, 2021 from <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts>.

• International association for public participation (IAP2). (2014). *Public Participation Spectrum*. Retrieved September 20, 2021 from <https://www.iap2.org/>.

• *Islamic Declaration on Safeguarding Cultural Heritage in the Islamic World*. (2003). Retrieved November 5, 2021 from <https://www.icesco.org/en/wp-content/uploads/sites/2/2019/12/Declaration-safeguarding-Cultural-Heritage-Islamic-World-iccm10-khartoum.pdf>.

• Kusakabe, E. (2013). Advancing sustainable development at the local level: The case of machizukuri in Japanese cities. *Progress in Planning*, 80, 1–65.

• Ladjemi, N. (2011). *Citizen Participation in the Restoration of Old Havana* (Master's Thesis, KTH), Royal Institute of Technology Department of Urban Planning and Environment Division of Urban and Regional Studies.

• Landorf, C. (2009). A framework for sustainable heritage management: A study of UK industrial heritage sites. *International Journal of Heritage Studies*, 15(6), 494–510.

• Li, J., Krishnamurthy, S., Pereira Roders, A. & Van Wesemael, P. (2020). Informing or consulting? Exploring community participation within urban heritage management in China. *Habitat International* 105, 102268.

• *Paris Declaration On heritage as a driver of development*. (2011). Retrieved December 15, 2021 from <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts>.

• Pendlebury, J., Short, M. & While, A. (2009). Urban World Heritage Sites and the problem of authenticity. *Cities*, 26(6), 349-358.

• Petric, L., Hell, M. & van der Borg, J. (2020). Process orientation of the world heritage city management system. *Journal of Cultural Heritage*, 46, 259-267.

• PILAI, J. (2017). *Intervention and Engagement with 'Public' in George Town World Heritage Site*. Malaysia Study Report, Archaeological Sites and Cultural Heritage in Public.

• Poomchalit, W. & Suzuki, K. (2018). A Study of the Importance of Personal Interests Concerning on Urban Planning: Case Studies in Kyoto City, Japan. *Journal of Architectural/Planning Research and Studies*, 15(1).

• Rasoolimanesh, S. M., Jaafar, M., Ahmad, A. G. & Barghi, R. (2017). Community participation in World Heritage Site conservation and tourism development. *Tourism Management*, 58, 142-153.

• Ripp, M. & Rodwell, D. (2018). *Governance in UNESCO World Heritage Sites: Reframing the Role of Management Plans as a Tool to Improve Community Engagement*. In: S. Makuvaza (eds.), *Aspects of Management Planning for Cultural World Heritage Sites*. Cham: Springer.

• Santiago, G. (2019). A Case Study of Local Community Development and Citizen Participation in Cuba: A Comprehensive Neighborhood Transformation Approach. *International Journal of Cuban Studies*, 11(2), 174-199.

• Su, X., Zhang, H. & Cai, X. (2020). Lifestyle, profit, and the selling of home to tourists in Lijiang, China. *Tourism Geographies*, 1–20.

• Symonds, J. (2005). Engaging Citizen- How to BC Municipalities engage citizens in their communities? Paper presented to Meeting of the Canadian Political Science Association, London, Ontario, Canada.

• Valladares, A. (2017). Successes and failures of participation-in-design: Cases from Old Havana, Cuba. *Frontiers of Architectural Research*, 6(3), 401-411.

• Zappino, V. (2010). *The Sustainability of Urban Heritage Preservation*: Retrieved December 12, 2021 from <https://policycommons.net/artifacts/309841/the-sustainability-of-urban-heritage>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
احمدی، احسان و آفتابی، پگاه. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه مشارکت اجتماعی در فرایند سیاست‌گذاری حفاظتی و مدیریتی شهرهای میراث جهانی. *باغ نظر*، ۱۹ (۱۴)، ۶۹-۸۰.

DOI:10.22034/BAGH.2022.306349.5010
URL: http://www.bagh-sj.com/article_160089.html

